

« مضطرب » باختری

رد چرندیات خنده آور

رو یونیوزم یا تجدید نظر طلبی

فلسفه ایست منفی و انحراف از جوهر انقلابی جهان بینی مترقی. پیروان آن اپور تو نیست و سازش کار و عناصری اند که در جامه سوسیالیزم کاذب به اید یونیوزی پیشرو و بنیاد گذاران آن خیانت می ورزند اساس این مسلک سازش کاری را مرد سست عنصری بنام برنشتین در سال های ۱۸۸۸ و ۱۸۸۹ در لندن پخش کرد ، او این نظریات گمراه کن و ضد بشری خود را وسیله رشوه ستانی از سرمایه داران انگلیس قرار داد و بحیث سگ زنجیری لارد های برتانیة تخم انشعاب و نفاق را در پهنای مسلک جهان بینی پیشرو و پاشید که تا امروز پیروان و مدافعین استعمار نوین و این قماش مردم در جامه ریا و کذب کمر به خدمت ارتجاع و استعمار بسته اند وارا جیفی برای یک عده ساده لوحان و خوش باوران تنظیم داده اند. این مسلک در ما هیئت خود خدمت به ارتجاع و امپریالیزم جهانی نموده و به گمراه کردن توده ها و تغییر روح انقلابی کارگر به سوی رفورمیزم رول دارد ، عقیده دروغین برنشتین این بود که می گفت « باید ذریعه تکامل تدریجی (او لو سیون) به مقصد رسید نه از راه انقلاب. این دانش پاسیف و انحرافی پیوند و ریشه ثابت بادگماتیزم یعنی (بدون چون و چرا یک موضوع را کور کورانه قبول کردن) داشته و به سویه اپورتو نیسم در منجلا ب منافقت و سازش کاری و آشتی دادن طبقات سقوط میکند یعنی طبقات متضاد و انتا گونستی را که منافع اقتصادی نقیض دارند بهم آشتی میدهد .

رو یونیوزم یا سوسیالیزم کاذب عمل تحریف آن علم مترقی است که رهبران بزرگ اساس اید یونیوزی و علمی را پی ریزی نموده و انبیا قرن بیست در عمل و بصورت مثبت ازان استفاده کرد رهبر کبیر بین الملل سوم درین باره چنین نظر داشت «رو یونیوزم یکی از مظاهر عمده تاثیر بورژوازی بر پرولتاریا و فاسد ساختن کارگر از طرف بورژوازی است » این است مشخصات واقعی این بازی گرانی سیاسی . مساعی رو یونیوزیست ها ، در تحلیل نهایی برای منحل ساختن احزاب پیشرو و یا تبدیل آن بیک سازمان رفورمستی است .

رو یونیوزیست ها می خواهند آموزش علمی مترقی را لکه دار

رو یونیوزیست ها در بسا ممالک اروپا و امریکایی و یک عده ممالک آسیایی ، مانند موریانه در بنیه حلقه های ، جهان بینی مترقی چسبیده اند و خفاشانه و در دانه به خیانت های دامنه داری دست به کار اند . آنها با بی ایمانی و پیمان شکنی تلاش دارند به بهانه و حیل گوناگون بنام توسعه دیوکراتیک در داخل این احزاب انضباط و استحکام آن را از هم ریزند و راهی برای رخنه نمودن افکار سرمایه داری در داخل این احزاب باز و برای تشکیل و تولید اکثریت و اقلیت طرق انشعاب و تفرقه ایجاد و سازماندهی (در ص ۳)

استعمار گران کهن و نوین تا جا بیکه میتوانستند هستی ملل ستمکش جهان را بلعیده اند و هنوز هم می بلعند ؛ ما امروز امپریالیست های سر اسر جهان و خاصه امپریالیسم امریکا در حلقه از تضاد های داخلی و خارجی اسیر مانده اند و این حلقه روز بروز تنگتر می شود .

بطور مثال ایالات متحد این ژاندارم بین المللی را در نظر بگیریم .

پیکر فراتوت و گندیده این « غول پاگلین » از سوی در برابر خشم توفان زای و بنیان کن ملل آسیا ، افریقا و امریکای لاتین همچو نبید بی برگ و بار میلرزد و از سوی دیگر مبارزه رنجبران و خلق ستمکش امریکا که در مرکز آن خشم آتش زای سیاهان قرار دارد ضربات قاطع و هلاکت باری بر پیکرش وارد میکند توانم با این دو مبارزه خشم افکن کار رقابت میان سرمایه های انحصاری نیز اوج گرفته و تا سر حد ترور و کشتار رسیده و در ست بهمین دلیل است که عصر معاصر زوال امپریالیسم و یکی از درخشان ترین چرخشگاه های تاریخ است در گوشه گوشه جهان این خلق است که درفش پر افتخار مبارزه پیگیر و بی پایان خود را بر می افرازد و طومار هستی مشتی است که گر مغرور را در هم می پیچد .

در اینکه عصر ما عصر زوال امپریالیسم و ارتجاع است شکی نیست اما هرگز نباید پنداشت که مرتجعین به اراده خود از مسند قدرت فرود می آیند بلکه برعکس امپریالیست ها و مرتجعین درین واپسین دم به مار نیم کشته می مانند که زهر آن مهلک ترو کشنده تر است در آخرین تحلیل امپریالیست ها و مرتجعین برای اینکه جنبش های کلمات بخش خلق را از درون تخریب کنند عمال و مزدوران خود را در صفوف خلق جا میدهند و این عروسک های مومی که بقول پایه گذار بین الملل سوم « بدور کاسه داغ شور بای » اربابان خود می رقصند با ژست های مردم خواهانه در آستان مرتجعین خدمتگزاری میکنند در واقع اینان هنر مندانی هستند که به مقتضای زمان در تا تراجم نقش های تراژدیک و کمیک خود را اجرا میکنند و در هر حال قیافه اصلی ایشان غیر از چهره ایست که در روی صحنه

می گیرند . کار مبارزه تفننی این « مترقیان کاذب » بدانجا کشیده است که تا گلو در منجلا ب رو یونیوزم و سازشکاری فرو رفته و به « معقولیت » امپریالیست ها و مرتجعین دل بسته اند و شیوه مبارزه را طبق خواسته اربابان خویش محدود نموده اند و هنگامیکه در باب شان چین بر جبین افگند ظاهراً بصورت مگر باری شکوه سر میدهند که :

« ارتجاع در زمینه سیاست داخلی در حالت تفتین و توطئه است تازمین را برای اختناق عمومی تهیه میکنند و طومار این آزادی های نیم بند را که دست آورد مبارزات طومار لانی مردم ماست در هم پیچد و نیرو های ملی و دموکراتیک ، ترقیخواه و وطنپرست را بد نام و سرکوب نماید »

مبارها گفته ایم و باز هم می گویم که ایجاد توطئه و اختناق خجالت اساسی و انفعالی که پذیرد ارتجاع است که تا لحظه مرگ دست از آن بر نمیدارد و فقط گاه گاه به منظور منحرف ساختن شیوه های مبارزه توده ، اغفال و اغوای مردم و در نهایت به خاطر حفظ و تحکیم منافع خود ژست های دموکرات مآبانه میگیرد و آزادی های را به صورت بسیار مجرور در چوکات الفاظ به نمایش میگذارد اما وقتی پای خواسته های اساسی مردم به میان آمد و بر منافع اصلی ارتجاع انگشت نهاده شد چون کرب تیر خورده به تلاش و تپش می افتد و با قیافه اصلی خود به میدان می آید و لی این آرایشگران قیافه ارتجاع به مردم میگویند :

خوب است به همین آزادی های مجرد دلخوش باشند و چیزی بالاتر از آن نخواهند زیرا طومار این آزادی های نیم بند را که محصول مبارزات طومار لانی مردم ما ست نیز در هم می پیچد (!)

باید بدین « مترقیان کاذب » گفت : آقایان ! این خلق است که تاریخ خود را می سازد نه ارتجاع خلق های کشور ما هرگز اجازه نخواهند داد شعله مبارزه به افسردگی گراید بگذار ارتجاع دست از این نمایش های مسخره برد و با قیافه اصلی خود با خلق رو برو شود درست در همان موقع است که با ضربات پیگیر مبارزه توده ها پیکر فراتوت و لرزان آن از هم می پاشد بهر حال گناه (در ص ۴)

کارکنان محترم شعله جاوید:

ما ۷۲۰ نفر کارگران از همه چیز محروم سمیت غوری پلخمری ضمن اینکه همبستگی و پیوند خود را با تمام کارگران فعال و پیشرو افغانستان اعلام میداریم و هم خاطر حق با مال شده خود و آنها دست به اعتصاب زده ایم از شعله جاوید که انعکاس دهنده آمال و آرزوهای ماست و باما در افشای مر تجمیع و سازشکاران شکناری می نماید تمنا داریم که این خواست های ما را در جریده خویش نشر کنند تا همه رنجبران و توده های مردم بدانند که بار سنگین يك عده قلیل مفت خوار بر گرده های ما سنگینی میکند، طبقه مر تجمیع حا که افغانستان به عناوین و دسیسه های مختلف نگذاشته است که تمام رنجبران و توده های استثمار شونده با هم متحد شوند تا این کاخ ظلم و ستم را ویران کنند حتی امروز این وظیفه ننگین و شیرم آور را «دوستان دروغین خلق» به عهده گرفته اند.

اما بگذار آنها تلاش های مذبحخانه خود را جهت خاموش ساختن آتش مبارزه توده ای انجام دهند زیرا روزی فرارسید نیست که ما این دشمنان افعی صنعت را در زیر ضربات گردان های کارگری خود خورد و ریزه ها می ساخت.

ست های ما که با خواسته های شما همبستگی گران شبیه است قرار ذیل است:

۱- معاش ما به اندازه نا چیز است که شکم خود و فامیل خود را سیر کرده نمیتواند از نیرو معاش کافی داشته باشد. ۲- نسبت اینکه معاش ما کم است باید هر فرد فامیل يك کارگر از نگاه صحت و مریضی بیمه شود: و کرایه خانه نیز تادیه شود:

۳- در هر سال دو دست لباس کار توزیع شود و مو تر و وسایل نقلیه برای حمل و نقل ما آماده گردد:

۴- از ذخیره معاش و ما کولات و کو پون حداکثر باید استفاده شود.

۵- چون در يك هفته از شش بجه صبح تادو بجه بدو ن کدام وقفه مسلسل کار می کنیم از اینرو جهت رفع خستگی باید بروز های پنجشنبه از ساعت دوازده مرخص گردیم.

این بود خواسته های فعلی ما که به اتکاء به نیروی خود و مبارزه پیگیر به گرفتن آن نایل خواهیم شد (زنده باد همبستگی و اتحاد کارگران های افغانستان)

شعله جاوید: در حالیکه خواسته های این کارگران رزمنده و دلیر را منعکس میکند یکبار دیگر دعوت کبیر اتحاد و همبستگی ایشان را به سایر هم زمان شان میرساند. بعقیده مانیز اتحاد رنجبران، دهقانان و نیمه رنجبران است که میتواند پاسخگوی خواست های برحق کارگران و سایر رنجبران باشد کارکنان شعله جاوید چنانکه بارها تاکید کرده اند یکبار دیگر نیز اعلام میکنند که تا آخرین لحظه در سنگر مبارزه با تمام رنجبران کشور همرازی و همبستگی خواهند داشت.

پاسخ کارگران کلبهار به سایر همزمان ایشان

میتوان ذکر کرد. الف: افشای اینکه پول و مواد خام فابریکه در منازل شخصی به مصرف میرسد.

ب: پرده برداری از سیمای پلید مستریانی که به منافع طبقه خویش پشت پازده وجدان خود را در کرو پول کارفرمایان گذاشته اند.

ج: افشای اینکه عیثت مدیره نساجی برای اغوای کارگران تادیبه چهارونیم ملیون افغانی را از سر جمع بیلانس برای کارگران پیشبینی کرده بود ولی بعد از آنکه کارگران در عقب دستگاه ها تن فرسایي کردند و آنوقت باصطلاح آنها از آسیاب افتاد و این مبلغ نیز صرف عیاشی و خوشگذرانی کار فرمایان شد.

در محل اجتماع کارگران چند نفر از وکلا هر دو جر که میخواستند باهمان وعده های که هرگز از قوه به فعل نخواهد آمد جلو تظاهرات کارگران و سایر هم زمانان ایشان را بگیرند ولی کارگران پیشرو و آگاه کلبهار که دیگر احساس کرده اند حصول حق راهی جز مبارزات پیگیر و اتکاء به نیروی خود ندارد کرسی نشینان پارلمان را که کاری جز پرده پوشی قیافه غارتگران طبقه حا که ندارند شدیداً محکوم نموده فریاد میزدند شما خود اعتراف میکنید که به هر یک رای صد افغانی پرداخته اید بروید و در فکر تلافی پول خود باشید که شما هرگز وکیل ما نیستید.

بلاخره با وساطت وکیل قره باغ دولت و سایر کار فرمایان نساجی تارو ۵۰ شنبه ۲۳ جوزامهلت خواسته اند ولی اعتصاب کارگران همچنان ادامه دارد خواست های این کارگران رزمنده دلیر قرار آتی است.

۱- تاسیس اتحادیه کارگر برای دفاع از حقوق ایشان. ۲- تجلیل روز بین المللی کارگر.

۳- عزل چارنفر از رؤسای بیدادگر فابریکه که کاری جز سلب حقوق

دپوهنې وزارت دثانوی تدریس اتو ریاست دحبیبی لیسې مدیریت د اداری خانه

بنیالغی (. . .) خان معلم صاحب در اثر اداره و حفظ دسپلین و ثباتیکه (بروز کارگر) از طرف شما صورت گرفت و طلاب باوجود آمدن سیل مظا هره سایر شاگردان مکاتب و مردمان دیگر اداره گردیدند حضور ع، ج، س، ع، وزیر صاحب معارف و معاون اول صدارت عظمی ازین فعالیت مر بیون محترم، معا و نین و سر معلمین مکتب طی مکتوب (۵۲۱) مورخه ۱۴/۲/۴۷ مدیریت محترم قلم مخصوص اظهار تشکر و تحسین فرموده اند که اینک مراتب رضایت تحسین و تشکر جلالتمابی را طی نامه هذا بشما عرض و موفقیت مزید تان را در همچو مواقع از درگاه خداوند کریم خواهانیم.

با احترام محل افضای مدیر لیسې حبیبیه ۱۳۴۷/۲/۱۵

شعله جاوید: سردمداران فرهنگ از تجاعی که فرزندان واقعی مردم را به اخلاص گری و ما جرا جویی متهم میکنند خود با این تو طنه گری ها و تحسین نامه های میان تهی میخواهند جلورشد و بیداری سیاسی جوانان را بگیرند ولی ما ایمان کامل داریم که معلمان آگاه و پیشرو مکتب شخصیت آزاد اخلاقی خود را با این از مغان تازه از تجاع معامله نکرده و جلو رشد فکری گردان خود رانمی گیرند و خوشتر را در سر نوشت فلا کتبار سردمداران فرهنگ از تجاعی سبیم نمیسازند ما یکبار دیگر تاکید میکنیم که این تو طنه ها راه به جایی نمی برد و

مر تجمیع و سازشکاران شکناری می نماید تمنا داریم که این خواست های ما را در جریده خویش نشر کنند تا همه رنجبران و توده های مردم بدانند که بار سنگین يك عده قلیل مفت خوار بر گرده های ما سنگینی میکند، طبقه مر تجمیع حا که افغانستان به عناوین و دسیسه های مختلف نگذاشته است که تمام رنجبران و توده های استثمار شونده با هم متحد شوند تا این کاخ ظلم و ستم را ویران کنند حتی امروز این وظیفه ننگین و شیرم آور را «دوستان دروغین خلق» به عهده گرفته اند.

اما بگذار آنها تلاش های مذبحخانه خود را جهت خاموش ساختن آتش مبارزه توده ای انجام دهند زیرا روزی فرارسید نیست که ما این دشمنان افعی صنعت را در زیر ضربات گردان های کارگری خود خورد و ریزه ها می ساخت.

ست های ما که با خواسته های شما همبستگی گران شبیه است قرار ذیل است:

۱- معاش ما به اندازه نا چیز است که شکم خود و فامیل خود را سیر کرده نمیتواند از نیرو معاش کافی داشته باشد. ۲- نسبت اینکه معاش ما کم است باید هر فرد فامیل يك کارگر از نگاه صحت و مریضی بیمه شود: و کرایه خانه نیز تادیه شود:

۳- در هر سال دو دست لباس کار توزیع شود و مو تر و وسایل نقلیه برای حمل و نقل ما آماده گردد:

۴- از ذخیره معاش و ما کولات و کو پون حداکثر باید استفاده شود.

۵- چون در يك هفته از شش بجه صبح تادو بجه بدو ن کدام وقفه مسلسل کار می کنیم از اینرو جهت رفع خستگی باید بروز های پنجشنبه از ساعت دوازده مرخص گردیم.

این بود خواسته های فعلی ما که به اتکاء به نیروی خود و مبارزه پیگیر به گرفتن آن نایل خواهیم شد (زنده باد همبستگی و اتحاد کارگران های افغانستان)

کارگر ندارند. ۴- مبارزه با برطرفی های غیر قانونی و کاملاً ظالمانه چنانکه تنها در ظرف سال ۱۳۶۰، ۲۵۰۰ الی سه هزار کارگر فقط به جرم اینکه از اوامر بیداد کرانه آمران چپاولگر خود به اصطلاح اطاعت نکرده اند بیکار گردیده اند.

۵- مبارزه برای حصول ۷۰ روز رخصتی بامعاش.

۶- تضمین و تسامین مصونیت زندگی فردی و اجتماعی و پرداخت حقوق تقاعد بعد از باز نشستگی.

۷- مبارزه به خاطر افزودی معاش زیرا در حالیکه هیئت مدیره ۲۰٪ افزودی را پذیرفته اند اما این افزایش ندرتاً تا ۱۵٪ میرسد ولی خواست اساسی کارگران درین قسمت افزایش ۵۰٪ معاش است.

۸- مبارزه در راه حصول بیمه صحتی برای کارگران و خانواده ایشان بصورت رایگان یعنی همچنان که کارفرمایان از چنین بیمه ها برخوردارند.

۹- جلو گیری از رشوه ستانی در فرصت استخدام.

۱۰- کار فرمایان نساجی در برابر قطع يك انگشت ۲۵۰ افغانی می پردازند در حالیکه ارزش انگشت پرنهر کارگر را هر چند نمیشود با پول معین کرد ولی صدها مرتبه بیش از این مبلغ می ارزد لذا مبارزه در راه ریشه کن ساختن این بیدادگری آشکارا و وادار ساختن کار فرمایان به تادیبه کامل و عادلانه جبران خسارات در هنگامیکه کارگر میبوی میشود و جراحت برمیدارد.

۱۱- مبارزه با شرایط دشوار امتحان که در فرصت ارتقای کارگر بدرجه باشی و سر باشی حتی از سوی صنف نهم نیز بلندتر است.

۱۲- جلو گیری از کشیدن مجرای بیست الخلاء های فابریکه بدریای پنجشیر که مردمان این خطه هارا مبتلا به امراض گوناگون می نماید.

۱۳- مبارزه در حصول بورس های تعلیمی برای اندوختن معلومات بیشتر زیرا در حال حاضر این بورس ها فقط مال تملق پیشگان است.

۱۴- تنظیم و ترتیب درست نان چاشت و شب به خاطر اینکه آنچه اکنون به کارگران داده میشود کاملاً فاقد ارزش غذایی است.

۱۵- مبارزه در راه ایجاد شرایط بهتر کار و تهیه غذا و لباس به کارگرانی که خارج از حوزه تولیدی از قبیل تعمیرات، ترا نسپورت، نجار خانه و غیره مصروف کار اند.

شعله جاوید: در حالیکه از یکایک خواسته های کارگران مبارز و قهرمان نساجی کلبهار پشتیبانی می نماید درود گرم و آتشین خود را به کارگران و روشنفکران همزمان ایشان تقدیم نموده و با قاطعیت کامل اعلام میدارد کارگران و روشنفکران واقعی کشور برخیزید، به خاطر نیل به پیروزی درفش پر افتخار مبارزه را برافرازید و بسوی آزادی و استقلال دست دراز کنید.

۱۶- مبارزه در راه ایجاد شرایط بهتر کار و تهیه غذا و لباس به کارگرانی که خارج از حوزه تولیدی از قبیل تعمیرات، ترا نسپورت، نجار خانه و غیره مصروف کار اند.

شعله جاوید: در حالیکه از یکایک خواسته های کارگران مبارز و قهرمان نساجی کلبهار پشتیبانی می نماید درود گرم و آتشین خود را به کارگران و روشنفکران همزمان ایشان تقدیم نموده و با قاطعیت کامل اعلام میدارد کارگران و روشنفکران واقعی کشور برخیزید، به خاطر نیل به پیروزی درفش پر افتخار مبارزه را برافرازید و بسوی آزادی و استقلال دست دراز کنید.

۱۷- مبارزه در راه ایجاد شرایط بهتر کار و تهیه غذا و لباس به کارگرانی که خارج از حوزه تولیدی از قبیل تعمیرات، ترا نسپورت، نجار خانه و غیره مصروف کار اند.

شعله جاوید: در حالیکه از یکایک خواسته های کارگران مبارز و قهرمان نساجی کلبهار پشتیبانی می نماید درود گرم و آتشین خود را به کارگران و روشنفکران همزمان ایشان تقدیم نموده و با قاطعیت کامل اعلام میدارد کارگران و روشنفکران واقعی کشور برخیزید، به خاطر نیل به پیروزی درفش پر افتخار مبارزه را برافرازید و بسوی آزادی و استقلال دست دراز کنید.

۱۸- مبارزه در راه ایجاد شرایط بهتر کار و تهیه غذا و لباس به کارگرانی که خارج از حوزه تولیدی از قبیل تعمیرات، ترا نسپورت، نجار خانه و غیره مصروف کار اند.

شعله جاوید: در حالیکه از یکایک خواسته های کارگران مبارز و قهرمان نساجی کلبهار پشتیبانی می نماید درود گرم و آتشین خود را به کارگران و روشنفکران همزمان ایشان تقدیم نموده و با قاطعیت کامل اعلام میدارد کارگران و روشنفکران واقعی کشور برخیزید، به خاطر نیل به پیروزی درفش پر افتخار مبارزه را برافرازید و بسوی آزادی و استقلال دست دراز کنید.

رد چرندیات خنده آور

- ۲ -

باز هم نقض وحدت در پرده فریادهای وحدت طلبی

آگاهانه و یا غیر شعوری آنرا دنبال میکنند متحد شد. اساس اتحاد، وحدت اید یالوژیک است، درینجا پرستی به خاطر می آید که در اتحادی که بین عناصر مختلف مرکب از رنجبران، دهقانان، نیمه رنجبران و طبقه متوسط برای پی ریزی و ساختمان جنبه متحد ملی دموکراتیک ضد فئودالی و ضد بورژوازی کمپرادور بعمل می آید، چون طبقات متمایز از هم در آن اشتراک دارند که هر یک دارای طرز تفکر طبقاتی مخصوص خود است چطور این وحدت پابر جا میماند؟ نباید فراموش کرد که درین اتحاد هر کس حق ندارد اید یالوژی خود را بر حسب دلخواه و به صورت کلی و عمده تبلیغ نموده و سگان گشتی این جنبه را بر میل و مرام خود به رسمیتی که مایل باشد بزانند بلکه تا وقتی و تا آنجا که به متحد و ملی است که همه طبقات آن از اید یالوژی و روش رنجبرترین طبقات یعنی کارگر پیروی و پشتیبانی کند و رهبری بدست او باشد، صرف کارگر است که می تواند سگاندار باشد و بس. هرگاه هر یک از آنان نخواهد از پیروی اصول کارگری سر باز زند خاصیت ملی بودن خود را از دست میدهد و خصیصه ضد ملی و ارتجاعی اختیار میکند که هیچگاه با وی نمی توان هم دست شد بلکه او آشکارا در صف دشمن قرار میگیرد.

فرضا بورژوازی ملی تلاش های مذبح خانه بکار می بندد تا قدرت را به کف گرفته و خود را به صفت طبقه حاکم سیاسی بالا برد، درینجا از ملی نیست و نباید یکقدم متحرک بر داشت بلکه باید لبه تیز مبارزه را به جانب دشمنان است بسمت او نیز.

اما اگر رهبری در سر علمی از طرف رنجبران صورت گرفته و هوشیاری خود را از دست ندهند، این رنجبران است که خود را به حیث طبقه حاکم بالا می برند و داغ را بدل بورژوازی ملی میگذارند. پس.

مجال چنین کاری را به ایشان بدو در اینجا اید یالوژی ها متفاوت بشود عمده کلی و حاکم وجود نداشته و صرف اید یالوژی طبقه رنجبر است است که حاکمیت دارد و جنبه را به پیروزی می کشاند. اینکه اکنون نظر به شرایط عینی اجتماع ما چون رنجبران هنوز نمی توانند قدرت را به کف گیرند و به صفت پیش آهنگ طبقات مترقی و ملی داخل اقدامات باقی دارد.

رویزیو نیزم یا تجدید...

حزبی را به میدان نبرد و تضاد و پرگونی جهت تضعیف وحدت و انضباط این احزاب بدل نمایند. رویزیو نیست ها در ظاهر زیر ماسک های خطرناک مبارزه ضد دگماتیزم، اپورتونیسم و سکتاریزم قد علم می کنند که این عمل شان برای مردم بی تجربه و خوش باور جهان خطر جدی در بر دارد و به گمراهی (موقتی) این عده موجب می شود. اینها برای تعویض تر های جهان بینی پیش رو زیر این لباس ها به خیانت تاریخی می پردازند. اما از آن جائیکه تاریخ عرصه فرسایش کهنه و زایش نو است، جهان بینی پیش رو همواره از نو آوری های زمان بهره می گیرد و برای شناخت پدیده های تازه راه های نوینی درمی یابد و به پیش می رود. رویزیو نیزم هم ازین قانون مستثنا نبوده و در فرجام با تر های منحرف خود در زباله دان تاریخ مدفون میگردند.

اید یو لوگ های رویزیو نیست سعی می نمایند تا تمام تیوری های اساسی علوم مترقی را تجدید نظر طلبانه و سازش کارانه به نفع طبقه استثمارگر وفق دهند. و به پیمانه جهانی برای زیر یوغ نگاه داشتن خلق های جهان مخصوصاً (آسیا و آفریقا و امریکای لاتین) و استثمار این خلق ها تحت نقشه ها و پلان های استعمار نوین با سازش کاری و شرکت با امپریالیزم جهانی (سفسطه های روی کاغذ طرح و برای گمراهی این اقوام به آنها این طور پیش نهاد می نماید مبارزه مسالمت آمیز، راه رشد غیر سرمایه داری، و حکومت دیموکراسی ملی و رسیدن به این اهداف از طریق

این «مترقیان کاذب» نیست آنها نیکه به توده ها پشت کرده باشند و اشکال مبارزه را بدستور اربابان خویش محدود نمایند در چنجه های مغز شان چیزی جز همین چرندیات خنده آور یافته نمیشود.

بگذار! اینان بدور این نمایش های دل خوش کنک بر قصند و لسی توده در هر حال راه خود را یا فتنی است. کاسه لیسان در گاه از بابان زر میگویند:

«درک این مسایل حاد باین نتیجه عاجل، ضروری و منطقی (!) می انجامد که نیروهای ملی، دموکراتیک، و لئوئیست و ترقیخواه کشور مسئولیت خویش را در وضع مشخص کنونی درک کنند و نگذارند که نقشه فتنه انگیزی ارتجاع مورد عمل قرار گیرد و فهمیده یا نه، پیده آلوده تحریک لغتین و ما چرا جوی قرار گیرند.»

این عناصر ترسو که از روپروشدن با توفان مبارزه سسپسکن توده ها هراس دارند با همان ابراز های زنک آلود ارتجاع بر فرزندانی صدیق خلق حمله میکنند و تصادفی نیست که یک کرسی نشین برزک دولتی، یک حقو قدان مز دور و مرتجع با مستطاراناش و این «مترقیان کاذب» همه بیک صدا روشنفکرانی را که فعالانه در مبارزات توده ای اشتراک می نمایند به اختلال گری و اجراجویی متهم میکنند این هر سه صدا، صدای ارتجاع است ولی از جنجه های متفاوت ارتجاع همه آنها نیراکه دیروز برای اغوای مردم از هم گسسته بودند یکبار دیگر با هم مونتاژ میکنند و بدین ترتیب دست اندر کار یک اتحاد مقدس (!) میشود.

این آقایان تپی مغز فراموش کرده اند که مبارزه منشاء اقتصادی دارد و اگر تحریک و تبلیغ مجرد موثر میبود حالا شکم گنده ترین سرمایه داران نیز به صف کارگر می پیوستند و ضرورتی به مبارزه قهرمانانه (!) ایشان هم احساس نمیشد.

به عقیده ایشان این استبداد سیاه و فشار های گوناگون اقتصادی نیست که رنجبران را به اعتصاب، مظا هره و مبارزه وادار می سازد بلکه عده محدود و انگشت شمار است که با تحریک و ما چرا جویی اعتصاب و مظا هره راه می اندازند این تضاد منافع طبقاتی نیست که انگیزه اعتصاب و مظا هره میشود بلکه باز هم تحریک و ما چرا جویی است.

کارگران آگاه و روشنفکران پیشرو کشور این اها نت تاریخی را هرگز فراموش نخواهند کرد و در پر تو مبارزات دلیرانه خود آنها را به کسانی که بر چسپ همچو اتها مات چرکین و سیاه را به ایشان میزنند همچنان در بست تحویل خواهند داد.

بالاخره این «مترقیان کاذب» برای

(کارگری ته)

به پلاس او به انبوردی است شمار پاره پاره که
شابه شباهه ای کارگر خپل ایمان غیرت بنکاره که
مال دی هسی مفت خواران خوری، چه به سر باندی بند نشی
دهد فچه لوری درو مه، خویه وینو لزند نشی
ورک له خپله چاپیریاله طفیلی او بیکاره که
شابه شباهه ای کارگر خپل ایمان غیرت بنکاره که
داخوری غوری وعدی، چه ارتجاع در کوی تا ته
پام کره، پام کره غلط نشی کوپی یی کره و ما ته
ته زمر یی شیری دا گید به مکاره کس
شابه شباهه ای کارگر خپل ایمان غیرت بنکاره که
به زحمت اوزیار له شکمی، را کار پی سن داسلو نه
سنا هم به تر مست دی و شامانان کوی عیشونه
پتک را واخله نندی وادی، بشاماران تری آواره که
شابه شباهه ای کارگر خپل ایمان غیرت بنکاره که
ستا قوت دشمن ها تسی دی، پاخه ما ته پنجره که
دا ملی خائینان واپه به خپل حکم غره کس
له فاسد و سرو جوپه به دگر کسی مناره که
شابه شباهه ای کارگر خپل ایمان غیرت بنکاره که
پاخه پاخه ولی؟ ناشتایی خانه نوی ژوند ون جو په که
دکلو وری شاهین، ددینه به غوبنو مون کره
مست سیلاب شه انقلاب شه ارتجاع به تراره کس
شابه شباهه ای کارگر خپل ایمان غیرت بنکاره که

رنجبران سرا پای جهان به منطق در خشان (!) این آقایان گوش فرا میدادند و دست از مبارزه می کشیدند تا مبارزات ایشان بهانه حمله به ارتجاع نمیداد و ارتجاع هم آهسته، آهسته یعنی آن سان که هم لعل بدست آید و هم یارنر نجه، حقوق ایشان را واگذارد میشد راستی این طریق مبارزه بی خطر هم بود ولی چه میتوان کرد که رنجبران جهان به منطق در خشان (!) این ناز پروردگان تنعم و جنبش طلبان شوقی اعتنا نمی کنند و به ایشان میگویند: فقط آنانی که به توده ها پشت کرده باشند از تصور حمله ارتجاع به تب لرزه مرگ دچار میشوند ولی کسانی که به توده ها اتکاء دارند و از پشتیبانی توده ها نیرو می گیرند از وحشیانه ترین حمله های ارتجاع نیز هراسی ندارند چون میدانند که خلق در هر حال پیروز شدنی است.

فتنه گری های ارتجاع در صفوف کارگران

اعتصاب کارگران قهرمان جنگلک هنوز هم ادامه دارد کارفرمایان فاسد که بخاطر منافع طبقاتی خود حاضر به پذیرش خواسته های برحق کارگران نیستند میخواهند با تطمیع عده از کارگران اعتصاب شکنی را در صفوف شان راه بیندازند ولی نمایندگان راستین کارگران جنگلک فتنه گری های ارتجاع را افشاء و کارگران را به همبستگی و اتحاد دعوت نمود خطابه به هم زمان خود گفتند: هرگاه مزدوران ارتجاع را در صفوف خود جا دهیم ویا وجدان خود را در گرو پول ایشان بگذاریم، شکست ما در سنگرمبار ذات بعدی امریست حتمی و اجتناب ناپذیر.

شعله جاوید: مایمان کامل داریم که فتنه گری های ارتجاع در صفوف کارگران هرگز نمیتواند شعله مبارزات این موج پیشتاز و دو را نسازد خاموش ساخته و باز هم به استثمار و بهره کشی خود پیر دازد.

از کارجو

نامه کارگران ستمکش کمپنی هوخفین

تقریباً مدت ۸ سال است که امپریالیستهای ستمگر جرمنی د و فابریکه بزرگ حجاری و نجاری و نجاری جنگلک را بدست دارند و ما کارگران را مورد استثمار و بهره کشی قرار داده اند.

کرسی نشینان داخلی و آله دست امپریالیستهای خارجی (ارتجاع داخلی) که درازای این بهره کشی و استثمار نفع می برند قانون کار و کارگر را به نفع باداران خارجی خودها تنظیم نموده اند: و سالانه از معاش ناچیز ما کارگران مقداری به نام تکیس می ربایند و علاوه بر روزهای جمعه و بعد از ظهر پنجشنبه عید - جشن - و کرسیس نیز به ما معاش داده نمیشود در صورتیکه کارگران دیگر فابریکه ها در این روزهای رخصتی مستحق معاشی میگردند و از طرف دیگر از افزودن معاش، بیمه صحتی، کوپون و رخصتی های قانونی خبری نیست و نیز لت و کوپ بیرحمانه کارگران از طرف جرمنها در این فابریکه به کثرت دیده میشود.

ما از کارکنان شعله جاوید که یگانه جریده ایست که آمال و آرزو های طبقه رنجبر را منعکس میسازد خواهشمندیم تا این صدای مارابکوش خوانندگان و رنجبران دیگر برسانند. و ما بدین عقیده هستیم که آرزو های ما وقتی برآورده میشود که با تمام طبقات ستمدیده یکجا شویم و دست

به یک مبارزه مرک و زندکی با دشمن طبقاتی خود بزنیم.

شعله جاوید: مبارزه در برابر این حركات فاشیستی را وظیفه خود دانسته با ثبات و پایداری خویشتن را

همرزم کارگران قهرمان عو ختیف میداند.

زمن بز خبریال دپکتیادولایت له مرکز خخه خبر را کوی

چهارده شنبی اوچهار شنبی به ورخو دجوژا به ۱۴-۱۵ نیتوددارا لمعلمین اود عبد الحی کرد یزی دلیسو او نورو لمینو بنو ونخیو به گپون یوه بی ساری مظاهره دلو مری خیل دپاره جوړه شوی وه که خه هم حکومت نظامی قوای غوشتل چه به دسیسو او حیلله گریو مظاهره چیان پری نژدی چه سره متحد شی او حتی خپل عسکری قوت بی هم د مظاهره چیانو دتیت او پرک گولو لپاره وو یست مکر دپکتیا بانگو خلمو دپز گرانو به ملاتړ دخیلو نورو همسنگرو ملگرو سره یو خای شول او خیلو مظاهرو ته یی په خورا انضباطی تو که دوام ور کړ او په اخیر کبسی مرتجع حکومت ته د مظاهره کونکو له خوا کلک

خطار ور کړل شو چه باید حاکمه طبقه زمونږ دالاند نیو پیشنهادوته مثبت جواب ورکړی.

او که چیری ور نکړی به نیت آخره خپنی مظاهری ته دوام ور کوو او په تشو رادیو بی خبرو او کاغذ پرانی مونږ اوس نشی غولولی خکه چه دیروخت مو ټول ملت وغولوه چه به حقیقت کی تر کاسی لاندی نیمی کاسی وجود در لود او اوس مونیمه کاسه په خر گند ټول وپیژ ندله نو له دی کبله تر اخیره خپلی انقلابی مبارزی ته ددغو مرتجعینو چه

د حکومت دچا رو واگی په لاس کی لری دوام ور کوو ترخو چه زمونږ حقه حق را کړل شی.

۱- دتد ریس لپاره دابتدا یسی وسایلو لکه تعمیر - درسی مواد - اود بنوونکی برابر ول.

۲- دیوی داسی کتا بخانی جوړیدل کوم چه دشاگر دانو دتعلیمی سویی به لوړولو کی مرسته وکړی.

۳- دهغو بندیز ونو لری کول کوم چه مرتجع حکومت بی دملی جرید و په مقابل کی لگولی دی.

۴- دهغو ازمو ینو لغو کول کوم چه به اصطلاح امر یکایی متخصصین دکا نگور په نامه دپو هنتون دشاملیدو لپاره اخلی چه به حقیقت کی دغه امتحا نونه یوه طبقاتی بنه لری او یواخی به اصطلاح نجیبه طبقه کاسی پیړی اونورپی وژله او بی واسطه دد کورنکی چه خلاق او مبتکر

د متعدد ادونه لری ناکا پیړی.

۵- دهغه فرهنگ او تعلیم پیخی له منځه وړل کوم چه تری داستعماری او ملاکی بدبویی خیزی.

شعله جاوید: چه خان دد غسی مبارزینو هم خنخیر بولی، دپکتیا دبا دردو مبارزینو مظاهری ته په درنه ستر که گوری اود دوی دمظاهرو خخه چه خورا عاد لانه مبارزه ده به کلکه ملاتړ کوی.

این تظاهرات شکو همنده تا ساعت پنج بعد از ظهر ادامه داشت. آنگاه که ختم موقت تظاهرات اعلام گردید متعلمین از مظاهره خویش چنین نتیجه گیری کردند:

۱- تازمان نیل به بر آورده شدن کلیه خواسته های خویش از مظاهره دست نمی کشیم.

۲- رو شنفکران بدون پیوند باتوده ها نمی توانند به پیروزی برسند و برای رسیدن به هدف باید باتوده ها بیامیزند از آنها بیاموزند و به آنها بیاموزانند.

۳- عناصر مخرب و جاسوسان نقاب پوش را از صفوف خویش رانده و به افشای ایشان می پردازیم.

کردند. در اینوقت پولیس میخواستند از در آمیختن جوانان و توده ها جلوگیری کنند ولی توده ها صفوف پولیس را ازهم شکستند و با فرزندان خویش در آمیختند. هنگامیکه صفوف درهم آمیخته متعلمین و توده ها به دار المعلمین رسید جوانان دار المعلمین از مظاهره باشور و هیجان رزم انگیز استقبال کردند و با آنان یکجا شدند و دوباره بسوی شهر حرکت کردند.

کارگران آگاه سپین زر هنگامیکه شعار های پر خروش مظاهره کنندگان را شنیدند خواستند از محوطه فابریکه خارج شده با آنان همگام شوند اما نیرو هایی که از طرف طبقه حاکمه گسیل شده بود از خروج آنان جلوگیری بعمل آوردند.

روز یازده جوزا متعلمین لیسه شیر خان قندز نظربه اینکه مقامات مسئول خواسته های آنان را که عبارت از تاسیس کتابخانه، کنفرانس در هر دو هفته یکبار و غیره مطالب آموزشی بوده ورد قبول قرار نداده بودند، دست به مظاهره زدند. اگرچه پولیس آشکار و مخفی از تجاع نمی گذاشت که مظاهره از محوطه لیسه خارج شود اما رو شنفکران مترقی بزودی آنان را از صفوف خویش رانده و در حالیکه شعار میدادند:

زنده باد اتحاد رنجبران و روشنفکران مترقی، مرک بر فرهنگ پوسیده استعماری.

از لیسه خارج شده بسوی دار المعلمین رهسپار شدند و در راه در چوک قندز سخنرانی هایی ایراد

روز یکشنبه نهم جوزا متعلمین اکادمی تربیه معلمین دست به اعتصاب زدند.

بر اساس گزارش خبر نگار ما خواسته های آنان چنین است:

۱- اجرای معاش تمام فارغان دار المعلمین ها از رویه دوره تحصیل شدن به پایین میرسد.

۲- چون متعلمین دار المعلمین ما سی و سه فیصد مضامین مسلکی را در جریان تحصیل تعقیب میکنند بنا بر این در امتحان نانکور نیز باید سی و سه فیصد سوالات از مضامین مسلکی باشد.

۳- شصت فیصد چانس شمول پوهنتون.

۴- مبارزه برضد استعمار فرهنگی یوسلو متعلمین آناه اکادمی تربیه معلمین ضمن سخنرانی های خویش که در محوطه اکادمی ادا مکر

به نقیص سخنان میان تپی و نسی نشین بزرگ وزارت معارف که در جواب خواسته های شاگردان اظهار داشتند بود «مریض سم» ولی درست

چند ساعت پس از آن ادیک مجلس اشرافی حاضر شده یک ساعت کاما سخنرانی کرده بود پرداختند

کرسی نشین بزرگ وزارت معارف که سالها در آن وزارت متصدی و مشاغل بزرگ بوده در پاسخ خواسته های شاگردان اظهار داشتند اکادمی تربیه معلمین در کجا واقع است و فارغ التحصیلان آن به چه کارها کماشته می شوند (!)

اعتصاب شاگردان اکادمی تربیه معلمین تاکنون ادامه دارد و ایشان اظهار داشته اند که تا هنگام بر آورده شدن کلیه خواسته های خویش از اعتصاب دست نخواهند کشید.

شعله جاوید! بر اساس آخرین گزارش خبر نگار ما شاگردان اکادمی تربیه معلمین دست هیئت تدریسی واداری را از امور مکتب کوتاه ساخته و اداره اکادمی را بدست خویش گرفته اند.

ما به شاگردان مترقی و پیشاهنگ اکادمی تربیه معلمین درود می فرستیم و ایمان عمیق داریم که آنان با ثبات و پایداری در راه مبارزه و تحکیم همبستگی خویش سردمداران فرهنگ ارتجاعی را بزانو خواهند آورد.

صاحب امتیاز و مدیر مسئول داکتر وحید (محمودی)